



یادداشت

این جنایات فاشیستی باعث نجات رژیم فقاہتی از سقوط نخواهد شد!

صادق کار



جمعه صبح خبر اعدام سه جوان اصفهانی به دلیل شرکت شان در اعتراضات مربوط به جنبش زن، زندگی، آزادی به نقل از سخنگوی جنایتکاران حاکم بر دستگاه قضایی اعلام شد.

اعدام ها نظر به رفتار رژیم در ماه های اخیر با وجود اعتراضات گسترده ای که در داخل و خارج کشور برای متوقف کردن آن انجام گرفت، چندان غیر منتظره نبود.

پرونده سازان دستگاه های قضایی و امنیتی برای انتقامجویی از اعتراضات مسالمت آمیز مردم در محله خانه اصفهان که در جریان آن علاوه بر تعدادی از تظاهرکنندگان سه تن از نیروهای سرکوبگر نیز کشته شدند، چون نتوانستند علت و عامل اصلی کشته شدن سه تن از سرکوبگران خود را پیدا کنند، صالح میرهاشمی، مجید کاظمی شیخ شبانی و سعید یعقوبی کرد سفلی را متهم به کشتن آنها کردند.

در گزارش سخنگوی قوه قضاییه نیز اتهام متهمان را کشیدن کلاشینکف و هفت تیر ذکر کرده و مستقیماً اشاره ای به کشتن مزدوران دستگاه سرکوب که معلوم نیست قبل از مردن چند نفر از مردم را کشته و کور و مجروح کرده اند اشاره ای نشده است. در بیدادگاه هم از آلات جرم خبری نبود، چون چنین آلاتی اساساً وجود نداشت. اتهام وابستگی آنان به سازمان مجاهدین ساخته و پرداخته یکی از رسانه های شناخته شده امنیتی بود.

هر سه مبارز زندانی در دادگاه داشتن اسلحه و ارتباط با مجاهدین خلق را رد کردند و در هنگام رسیدگی به پرونده های خود در بیدادگاه ها گفته اند به زور شکنجه و تهدید آنان را مجبور به تأیید سناریوهای نموده اند که توسط بازجوها و جاعلان پرونده ساز دستگاه سرکوب نوشته شده بود.



این رویه‌ای است که ده‌ها سال است توسط کارگزاران رژیم در ایران دنبال شده و چندین هزار نفر از انسانهای حق طلب و آزادیخواه را با همین روش که این سه جوان اصفهانی را با توسل به آن به قتل رساندند، از سر راه برداشته‌اند.

قتل سه جوان مبارز اصفهانی و حتی آنهایی که پیش از آنان اعدام شدند، مسلم بود. رژیم بی پایگاه و غرق در انواع بحران‌های فزاینده و در عین حال فاقد برنامه و کارآیی برای خلاصی از هچلی که در آن گرفتار شده و در همان حال مواجه با یک جنبش انقلابی که برکناری آن از قدرت را هدف گرفته است، در وضعیت کنونی دو راه بیشتر پیش روی خود نمی‌بیند، تن دادن به برکناری، و یا تشدید کشتار و سرکوب.

از اعدامها و مجموعه برخوردهای اخیر پیداست که رژیم گزینه تشدید سرکوب را در پیش گرفته است. بهمین جهت باید در انتظار روزهای بدتری بود. اپوزسیون دمکراتیک و رهبران میدانی جنبش انقلابی برای مقابله با کشتار و تشدید سرکوب راهی غیر از گسترش اعتراضات برنامه‌ریزی شده هدفمند و سازماندهی اعتراضات و بسط و گسترش همکاری‌ها و اقدامات مشترک ندارد.

مردم به یقین برنده‌ی نهایی این نبرد خواهند بود. رژیم با تشدید سرکوبها نمی‌تواند بر بحرانهای خود فائق بیاید و مردم را از ادامه جنبشی که ۸ ماه پیش آنرا شروع کرده‌اند بازدارد.

مردم به یقین برنده‌ی نهایی این نبرد خواهند بود. رژیم با کشتار مبارزان و انقلابیون و تشدید سرکوبها نمی‌تواند بر بحرانهای خود فائق بیاید و مردم را از ادامه جنبشی که ۸ ماه پیش آنرا شروع کردند بازدارد.

متاسفانه شروع اعتراضات برای جلوگیری از اعدام‌ها دیرهنگام، غیر گسترده و پراکنده و ناهماهنگ بود. از همان آغاز که نخستین گروه را اعدام کردند، مردم و گروه‌های سیاسی و مدنی می‌بایستی به اعتراضات جمعی و متنوع در داخل و خارج بر می‌خاستند، اما متاسفانه چنین نشد. ظرف کمتر از یک ماه ۹۰ نفر را گفته می‌شود سربردار کرده‌اند و هنوز عده‌ی دیگری در لیست اعدام قرار دارند و معلوم نیست (خدای دهه ۶۰) که هزاران نفر را در دهه ۶۰ از دم تیغ گذرانند و علی‌خامنه‌ای سرکرده خدایان جنایتکاران حاکم که قبل از اعدامها بشارت بازگشت اش را داده بود، قصد دارد چند نفر دیگر را به قتل برساند. بقول یک ضرب‌المثل قدیمی این شتری است که اگر ما به خود نیاییم و به جد با آن مقابله نکنیم در خانه خیلی‌ها فرود خواهد آمد.

**از اعتصاب کارگران شرکتهای پتروشیمی و نفتی و سایر کارگران و بازنسستگان،
پرستاران و مطالبات آنان حمایت کنیم!**

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام‌ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می‌کنیم!



کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش دوم
برنامه بین‌المللی برای محو کار کودک
ژان مائینات



کار کودک و فقر -2

تیترا بالا به طور کلی، به ارتباط علیت متقابل بین کار کودک و فقر اشاره دارد. از یک سو، کار کودکان عمدتاً توسط پسران، دختران و نوجوانانی انجام می‌شود که به خانواران فقیر تعلق دارند. این سوی ارتباط روشن است: فقر به عنوان عامل تعیین کننده کار کودکان. اما از سوی دیگر، کار کودک امکان رشد کامل را از پسران، دختران و نوجوانانی که به کار اشتغال دارند، می‌گیرد و آنان را محکوم می‌کند که در همان فقر اولیه ای که به کار وادارشان کرده است، باقی بمانند: فقر در نتیجه کار کودک. نوشته حاضر در این فصل به تحلیل این ارتباط متقابل علی می‌پردازد.

پس ضرورت دارد که دو مفهوم اساسی موضوع بحث این فصل، یعنی دو مفهوم کار کودک و فقر، را حتی الامکان به وضوح تعریف کنیم.

کار کودک به اشتغال پسران، دختران و نوجوانان در فعالیتهای اقتصادی اطلاق می‌شود، بدون این که الزاماً پرداخت یا دستمزدی وجود داشته باشد. مطلب حاضر از نتایج اندازه‌گیریهای انجام یافته از کار کودکان استفاده کرده است که از طریق پرسشنامه‌های خانگی به دست آمده‌اند. در این پرسشنامه‌ها منظور از کار کودک، کار "پسران، دختران و نوجوانانی است که در زمان پاسخ به پرسشنامه اعلام کرده‌اند که در هفته مرجع (هفته منتهی به زمان پاسخ) حداقل یک ساعت در تولید کالا یا خدمات اقتصادی طبق تعریف سیستم حسابهای ملی سازمان ملل متحد کار کرده‌اند". این تعریف کودکان و نوجوانان زیر سن قانونی را که به صورت نقدی یا غیرنقدی دستمزد دریافت می‌کنند، آنها که برای خودشان کار می‌کنند، کارآموزانی که پاداش نقدی یا غیر نقدی دریافت می‌کنند، کودکان "کارگر خانواده" که بدون دستمزد کالاها



یا خدمات اقتصادی را برای مصرف همان خانواده تولید می کنند، شامل می شود، اما کسانی را که کار ندارند و جویای کار اند، شامل نمی شود. لازم است تصریح کنیم که کار خانگی به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فقر به خودی خود پدیده ای بسیار پیچیده است که علل متعددی دارد و به گونه های مختلفی بروز می یابد. از این رو دشوار است که یک خط واحد علیتی را به عنوان منشأ آن محرز دانست. مرسوم آن است که فقر با یک بعد شناخته شده آن، یعنی "محرومیت" یا عدم امکان تأمین نیازهای اولیه مادی انسان، تشخیص داده شود. با این حال، طی سالهای گذشته اهمیت فزاینده ای به دو بعد دیگر فقر داده شده است: اولاً "ناتوانی" تهیدستان برای مشارکت در تصمیماتی که بر زندگی آنان مؤثر اند و سرنوشت شان را رقم می زنند، این بعد [فقدان] "صدای تهیدستان" نامیده می شود؛ ثانیاً "آسیب پذیری" در برابر موقعیتهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی، که نه تنها بر حیات تهیدستان تأثیر می گذارد، بلکه همچنین* می تواند به بیرون ماندن آنان از دایره این موقعیتهای بیانجامد.

برآوردهائی که از فقر موجود در کشورهای مختلف شده اند، به بعد محرومیت توجه داشته اند و در این نوشته از آنها استفاده شده است. اگر درآمد سرانه خانواری برای به تهیه سبزی از کالاها و خدمات اساسی که به آنها اجازه دهد زندگی آبرومندانه ای داشته باشند، کافی نباشد، آن خانوار و اعضای آن "فقیر" محسوب می شوند. اگر درآمد سرانه خانواری برای تأمین یک سبزی مواد غذایی اولیه کافی نباشد، آن خانوار و اعضای آن "بسیار فقیر" محسوب می شوند. بنابراین، در این تعاریف فقر بر داده "درآمد ناکافی" خانوار استوار شده است.

در بخش اول فصل حاضر، میزان کار کودکان در آمریکای لاتین را با ارقام به دست می دهیم، تا بعداً، در بخشهای دوم و سوم، رابطه بین این کار کودک و فقر را تحلیل کنیم. تحلیل ما ابتدا به عوامل انسانی و خانوار می پردازد و سپس برخی از ویژگیهای کشورهای را مد نظر قرار می دهد. در پایان، در بخش چهارم این فصل، قدری بر مزایای اقتصادی ریشه کنی کار کودکان مکتب خواهیم کرد.

فقر، به عنوان یک پدیده چندبعدی فراتر از صرف محرومیت، از مدتی پیش مورد توجه محققان و برخی -1 سازمانهای بین المللی قرار گرفته بود. اما انتشار گزارش توسعه جهانی 2001-2000 بانک جهانی در سال 2001، که در آن تازه به اهمیت ابعاد دیگر این پدیده اشاره شده بود، موجب توجه قابل توجهی به دیگر ابعاد آن گردید.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!



تغییر قانون کار و راه کار مبارزه موثر با آن

صادق



در این هفته خبرگزاری ایلنا به نقل از وزیر کار دولت رئیسی خبر از تهیه پیشنویس لایحه اصلاح قانون کار داد و افزود: "پیشنویس لایحه اصلاح قانون کار هم اکنون در کمیسیون‌های مختلف دولت در دست بررسی است و پس از آنکه در صحن دولت تبدیل به لایحه شد، به مجلس ارسال خواهد شد" متعاقب انتشار این خبر خبرگزاری ایلنا به سراغ "آیت اسدی" یکی از اعضای تشکلهای حکومتی رفت و نظر او را در مورد اصلاحاتی که که می خواهند انجام بدهند، جویا شد.

آخر طبق قانون خودشان هر تغییری در قانون کار بایست با موافقت شورای عالی کار انجام شود. ولی از پاسخهای آقای اسدی به خبرنگار معلوم شد که قضیه آنقدر رسواست که حتی تشکلهای وابسته به حکومت را در جریان قرار نداده‌اند.

البته این اولین بار نیست که دولتها بدون مشورت و جلب موافقت شورای عالی کار و با چراغ خاموش بخشهایی از قانون کار خودشان را که ولو اندک حق کوچکی برای کارگران در آن ملحوظ شده باشد، اصلاح یا درستتر گفته باشم به نفع کارفرمایان تغییر می دهند. اصلاح قانون کار در فرهنگ حکومت مدعی "عدل علی به رهبری سید علی" در واقع همانطور که در تجربه معلوم شده، کلید رمز بی حقوق سازی کارگر یا همان اجرای سیاست نئولیبرالیستی "مقررات زدایی" است که هواداران ایرانی آن با عنوان "منعطف سازی" هم از آن نام می برند.

از همه تغییراتی که تا کنون بطور مستقیم و غیر مستقیم با دستورالعمل‌های بخشنامه‌ای در قانون کار انجام شده حتی یک مورد انعطاف بسود حقوق کارگر دیده نمی شود! هر چه بوده به نفع افزایش منفعت و سلطه کارفرمایان بوده است.

در این دور نیز از اخبار جست گریخته‌ای که از جزئیات اصلاحات مد نظر به بیرون درز نموده، معلوم می شود که این بار ته مانده هر آنچه بویی از حمایت در آن به مشام می رسد را قصد دارند رسماً از قانون حذف کنند. و بی قانونی لجام گسیخته کارفرمایی در محیط کار را رسماً بر کارگر تحمیل نمایند.

برای مثال، قید شفاهی ماده ۷ ناظر بر رسمی شدن قرار داد کار را قصد دارند حذف کنند، قید ماده ۲۷ را که اخراج کارگر را منوط به تأیید تشکل می کند قصد دارند بردارند، ماده ۴۱ قانون کار ناظر بر نحوه تعیین دستمزد را می خواهند بکلی دگرگون کنند، اختیارات شورای عالی کار را کاهش دهند، قانون طبقه بندی



مشاغل را دگرگون کنند، قانون بازنشستگی و بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور را تغییر دهند، حقوق بازنشستگی را کم کنند و کار رسمی را از بیخ و بن بر کنند. قطع رسمی سهم بیمه دولت، کاهش سهم بیمه کارفرمایان و افزایش سهم بیمه کارگران نیز گفته می شود از مواردی هستند که مطرح شده‌اند. حتی صحبت از اختیاری کردن بیمه در میان است که معنی واقعی آن اگر تصویب شود محروم شدن میلیونها کارگر از بیمه و بازنشستگی و واگذار کردن هزینه کامل درمان و دارو به عهده خود کارگر فاقد بیمه است که با تصویب اصلاحات مد نظر حکومت و کار فرمایان، شدت استثمار کارگر نیز بیشتر و سلامت و درآمد آنها کمتر خواهد شد.

البته زمینه های این طرح از مدتها پیش توسط نهادهای وابسته به سرمایه داران از سازمانهای همچون اتاق بازرگانی و اتاق ایران تا نهادهای به اصطلاح خیریه تحت مدیریت وابستگان اتاق بازرگانی دنبال شده و متحد شدن ارتجاعی ترین و سرکوبگرترین راستگرایان حکومتی در حکومت اصطلاحاً یک دست این فرصت را به آنها داده است که بتوانند تغییرات مد نظرشان را بطور رسمی عملی کنند. تغییرات در دست نهایی شدن اگر فرصت عملی شدن پیدا کنند، حقوق، معیشت و کلاً وضعیت زیستی و شغلی کارگران را به دوران قاجار بر میگرداند. بهمین جهت لازم است بطور فعالانه، با اعتصاب و اعتراضات سازمان یافته به اعتراض علیه تغییرات ارتجاعی ویرانگر رژیم در قانون کاربر خاست و مانع بر سر راه انجام آن بوجود آورد. البته این تعرضات مادامی که آزادی و حق اعتصاب و تشکل نداشته باشیم نوسانهای خواهند داشت، ولی قطع نخواهند شد. قانون کار فعلی به هیچ وجه قانون مطلوب ما نبوده و نیست. ما به دنبال قانونی بوده و هستیم که حقوق ما را تامین کند. حتی آن هنگام که هنوز قانون مورد تعرض قرار نگرفته بود ما آن را ناقص می دانستیم. با این حال از آنجا که تعرض به آن به منزله تعرض به بخشی از پایه های حقوق کارگر می باشد باید با تغییراتی که می دانیم به زیان ماست، مخالفت کنیم. برخورد منفعلانه به این بهانه که این قانون پر از نقص و تناقض است به نفع دشمنان حقوق کارگر است. البته ما باید برای تامین حقوق مان به دنبال راه کارهای اساسی و پایدار و استفاده از تجربه های مثبتی باشیم که کارگران در کشورهای دیگر داشته‌اند.

سبب ساز همه این ستمگریها پراکندگی و سازمان نیافتگی طبقه کارگر و سایر مزد و حقوق بگیران است. در فرانسه اگر تنها تصمیم به افزایش دوسال به سن بازنشستگی ۳ میلیون نفر را به اعتراض خیابانی می کشاند، بیش از همه بواسطه وجود سازمان یافتگی کارگران و مزد و حقوق بگیران در اتحادیه ها و احزاب کارگری است. و اگر در ایران دولتها به خودشان اجازه می دهند بنیاد حقوق کارگر را که نتیجه بیش از صد سال مبارزه پر هزینه است بر کنند، نتیجه نداشتن آزادی و تشکل است.

کارگران و سازمانهای فرانسوی در برقراری آزادی نقش اصلی را به عهده داشته‌اند و از ثمره آن نیز که حق داشتن تشکل و رفاه نسبی و قانون کار بهتری است برخوردار شده‌اند. در ایران هم برای اینکه طبقه کارگر و حقوق بگیر بتواند از حق و حقوق و رفاه و آزادی و تشکل برخوردار باشد باید برای آزادی بجنگد. مسلم بدانیم که ما بدون آزادی و بدون مشارکت در ساختن آن به حقوق مان نخواهیم رسید که هیچ، همین هایی را هم که با مرارت زیاد به دست آورده‌ایم به راحتی از دست خواهیم داد. پس بیایید به جنبش انقلابی جاری بپیوندیم و دوش به دوش هم برای بر افکندن نظام استبدادی و عدالت ستیز حاکم که دشمن آزادی و رفاه ماست مبارزه کنیم.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



مردم در مقابل کمبود و گرانی نان ساکت نخواهند ماند

صادق



افزایش قیمت اقلام خوراکی باعث مصرف فزاینده نان که تا مدتی پیش با وجود گران شدن در سالهای اخیر، شده است. افزایش رسمی ۳۰ درصدی قیمت نان در نانوائی های سنتی که سهمیه آرد دولتی می گیرند، باعث افزایش قیمت نان در نانوائی های موسوم به آزاد پزها که سهمیه نمی گیرند و همچنین کمبود نان و ازدحام شدید مردم در مقابل نانوائی های سنتی و نگرانی روز افزون مردم شده است.

گفته می شود سهم آرد دولتی ۴۰ درصد نانوائی ها کم شده است و علت و سبب آن هنوز به درستی روشن نیست. مراجعات مکرر صاحبان نانوائی ها به فرمانداریها برای دانستن علت کاهش سهم آرد به نتیجه نرسیده است.

بعد از اعلام افزایش نرخ نان، معلوم نیست به چه علت دولت بدون ارائه دلیل و سبب، سهمیه آرد نانوائی ها را بیشتر از پیش کاهش داده و این کار علاوه بر کاهش پخت نان، به اعتراض نانوادارها و نگرانی مردم دامن زده است. آنطور که در بعضی گزارشات تداعی می شود، نانوادارها کاهش سهمیه آرد را نوعی واکنش دولت به جهت تنبیه صاحبان نانوائی ها به دلیل گران کردن نان می دانند. مردم هم می ترسند کاهش سهمیه آرد موجب گران شدن بیشتر و کمبود نان شود.

سلیمانی رئیس اتحادیه نانوائی های سنگگی که به نظر می رسد از کاهش سهمیه های اعضای اتحادیه شان ناخرسند به نظر می رسد، به روزنامه اعتماد گفته است، دولت به تعهدات که به نانوائی ها داده عمل نکرده و افزوده است از نیمه سال گذشته نانوائی ها دچار ضرر و زیان شده اند.

اعتراضات و تجمعاتی هم گویا از طرف صاحبان نانوائی های سهمیه بگیر علیه کاهش سهمیه آرد انجام گرفته است. عده ای هم کاهش سهمیه را شروع قطع آرد یارانه ای و آزاد کردن کامل قیمت نان می دانند. رئیس یکی از اتحادیه نانوائی علت کاهش سهمیه ها را ثابت نگه داشتن قیمت نان در ازای پرداخت ۳۰ درصد کمک دولت به نانوائی ها عنوان کرده است.

در هر صورت به نوشته روزنامه اعتماد قیمت یک نان سنگگ به مبلغ ۲۰ هزار تومان هم گزارش شده. مبلغی در واقع ۴ برابر نرخ دولتی بعد از افزایش ۳۰ درصدی. در بعضی گزارشها به نان سنگگ ۳۰ هزار



تومانی اشاره شده است. خبرهای زیادی که در این خصوص منتشر شده‌اند، حاکی از بلیشو در بازار نان است.

این درست است که در بین کاسب کارها عده‌ای همیشه هستند که از وضعیت درهم ریخته و بحرانی برای کسب درآمد بیشتر سئواستفاده می‌کنند، ولی مقصر اصلی گرانی و عامل نگرانی مردم دولت است. دولت از یکسو یارانه‌ها را از میان بر می‌دارد و سیاست آزاد سازی قیمت‌ها را در پیش گرفته، مالیاتها را بالا می‌برد، قیمت آب، برق، و گاز را بالا برده است. از سوی دیگر می‌خواهد برای کنترل تورم با قیمت گذاری های دستوری بدون تناسب، جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد. طبیعی است که این راه کار مورد پذیرش قرار نگیرد و به هرج و مرجی منجر شود که در ارتباط با نان مواجهیم.

با وجود افزایش ۳۰ درصدی رسمی قیمت نان، نانواپی‌ها راضی نیستند و خواهان افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت نان هستند. رئیس اتحادیه نانواپی‌ها گفته است سهم ارد دولتی ۱۵ تا ۲۰ درصد از هزینه های نانواپی‌ها را می‌دهد. این گفته نشان می‌دهد که کنترل قیمت نان با شیوه های کنونی از دست دولت خارج شده است و قیمت نان بازهم بزودی افزایش خواهد یافت و حکومت هم قادر نیست مانع از افزایش نان شود.

نگرانی مردم از گرانی و کمبود نان که مهمترین منبع تغذیه مردم است قابل فهم است. مردم می‌دانند، افزایش قیمت نان روی سایر کالاها خاصه مواد غذایی اثر خواهد گذاشت و عرصه را بر آنان تنگتر خواهد کرد. دولت در آغاز سال به بهانه کاهش تورم دستمزد و حقوق کارگران و کارکنان دولت را کمتر از نیم نرخ تورم رسمی افزایش داد. با این حال تورم آن قدر طی دوماه گذشته بالا رفت و ارزش یارانه‌ها آنقدر تقلیل پیدا کرد که به هیچ وجه جواجوی گرانی‌های روز افزون نیست. جامعه هم در برابر این وضعیت ساکت و منفعل نیست و نخواهد ماند و با اعتصاب و تظاهرات خیابانی علیه مسئولین این وضع اقدام خواهند کرد. همین جمعیت انبوهی که امروز برای خرید نان ارزانتر صف می‌بندند در صورت ادامه وضعیت موجود تبدیل به تظاهرات ضد دولتی خواهد شد.



ادامه اعتراضات خیابانی بازنشستگان مخابرات در ۱۱ شهر به رغم همه تهدیدات همراه با دادن وعده های کاذب مسئولین



اعتصاب همکاران در پتروشیمی صدف بن بر اخبار دریافتی امروز یکم خرداد ماه همکاران ما در شرکت جهان پارس پتروشیمی صدف در اعتراض به خلف وعده کارفرما دست از کار کشیدند و تجمع کردند. موضوع از این قرار است که این همکاران با وعده دروغ افزایش حقوق ۵۰ درصدی سرکار بازگشتند. اما بعد که به کار بازگشتند مشاهده کردند که حقوق ۸ میلیون تومانی، ۹ تومان و ۹ تومانی، ۱۰ تومان شده است. در نتیجه کارگران حاضر به قبول قرارداد نشدند و حاضر به بازگشت به کار نشدند.

ما کارگران پروژه ای از آغاز یکم اردیبهشت در اعتراض به گرانیها و بدتر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود و کل جامعه با درخواست ۷۹ درصد افزایش حقوق و بیست روز کار و ده روز مرخصی و پیگری دیگر مطالبات اعلام شده خود دست به اعتصاب زدیم. در جاهایی پیمانکاران با وعده های کاذب و تفرقه افکنی میان کارگران تلاش میکنند همکاران ما را به کار بازگردانند. اما ما کارگران کوتاه نمی آییم. نمونه بارز آن اعتصاب همکاران پتروشیمی صدف در اعتراض به وعده های کاذب پیمانکاران است.



فقط کف خیابون به دست میاد حقمون
شوش، تجمع اعتراضی

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش در اعتراض به شرایط بد معیشتی. کارگران و مزد بگیران باید بتواند از نعمات موجود بهره مند شوند، از داشتن دستمزد مکفی تا درمان رایگان، از آموزش و تحصیل رایگان تا داشتن تشکل های کارگری

تا رسیدن به حاکمیت توده های میلیونی کارگر و زحمتکش، تا تعیین تکلیف با مناسبات ستم و استثمار، مبارزه برای بهبود شرایط زندگی بخش مهم از مبارزه پیش رو است

اتحاد رمز پیروزی ماست

یکشنبه ۳۱/ اردیبهشت ۱۴۰۲

منبع: کانال سندیکای هفت تپه



ILNA PHOTO
Photo:Received

اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی در یکشنبه های هر هفته در شهرهای مختلف همچنان ادامه دارد. تصویر بالا مربوط به تجمع بازنشستگان در شهر رشت می باشد.



معلمان زندانی تاوان افسهای
کدام ناکارآمدی، رژیم و نظام

ما
شاید
سنگین

آخرین تصویر از معلمان زندانی است. محمد حبیبی سخنگوی شورای هماهنگی معلمان البته ۳ روز پیش آزاد شد.



سندیکاها و تشکلهای صنفی از آن جمله، سندیکای واحد، شورای هماهنگی معلمان، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی با صدور اعلامیه های جداگانه اعدامها و اعدام سه مبارز جنبش زن، زندگی، آزادی توسط رژیم را محکوم و خواستار لغو احکام اعدام و آزادی زندانیان سیاسی شدند.



!صدور حکم بی دادگاه، محکوم است



فرزانه زیلابی وکیل پیشین کارگران هفت تپه و بازنشستگان تأمین اجتماعی استان خوزستان و برخی معلمان عضو کانون صنفی معلمان خوزستان، به یک سال و شش ماه حبس به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به رهبری محکوم شده است.

این رأی از سوی قاضی گماشته وزارت اطلاعات در شعبه چهار دادگاه انقلاب اسلامی اهواز صادر شده است.

فرزانه زیلابی قبلاً نیز به یک سال حبس محکوم شده بود گویا از پرونده هفت تپه تا کنون، اطلاعات دنبال انتقام جویی از این وکیل دادگستری است.

سندیکای کارگران نیشکر هفت، حکم صادره بر علیه خانم فرزانه زیلابی را شدیداً محکوم می کند.

بی دادگاه های حاکم در ایران، تنها بر اساس منافع صاحبان ثروت، پول و قدرت، احکام کیلویی را بر علیه هر صدای حق طلبی را صادر می کنند. ما می دانیم که تنها راه، پایان دادن به این مناسبات نابرابر و پر از تبعیض است. مناسباتی که نابرابری، بی عدالتی، ظلم و ستم و استثمار، پایه های اصلی آن را تشکیل می دهد. روز رهایی فرا خواهد رسید، روز آزادی، برابری، روز زندگی و شاد بودن، برای آن روز اما باید هزینه داد. ما کم نخواهیم آورد! آینده از آن ماست

**از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه
قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می کنیم!**

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید**

در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>